

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

- آینه نفس**



مشی علمی خواجه نصیر در ادار ه مر اکز علمی
آیت‌الله جوادی آملی:
وقتی قدری جلوتر می‌رویم تا به قرون گذشته و اعصار گذشته برسیم، می‌بینیم سخن از جدایی حوزه و دانشگاه نبود تا کسی از دانش آموخته‌های حوزه و دانشگاه برود و صبغه دینی به دانشگاه بدهد، بلکه در آن جامع و آن مدرسه‌های عمومی هم فقه، اصول، تفسیر، اخلاق و آداب دینی خوانده می‌شد و هم علوم ریاضی، هیت، نجوم و بخش‌های دیگر.
خواجه نصیر این‌کار را کرده بود؛ مرحوم خواجه نصیر اگر حوزه‌های علمیه‌ای داشت، کلام و فلسفه اسلامی و فقه و اخلاق اسلامی را که محقق حلی تدریس می‌کردند آن را با ریاضیات، نجوم، هیت، سپهرشناسی، اخترشناسی و اینها هماهنگ کرده بود و این چنین نبود که دو دستگاه جدای از هم باشند تا اینها را ما به وحدت و اتحاد دعوت کنیم؛ یکی دانشگاه و دیگری حوزه، بلکه یک جامع عمومی و یک مدرسه عمومی بود که همه این علوم آنجا تدریس می‌شد.
منبع: کانال تلگرامی آیت‌الله العظمی جوادی آملی (مدظله‌العالی)

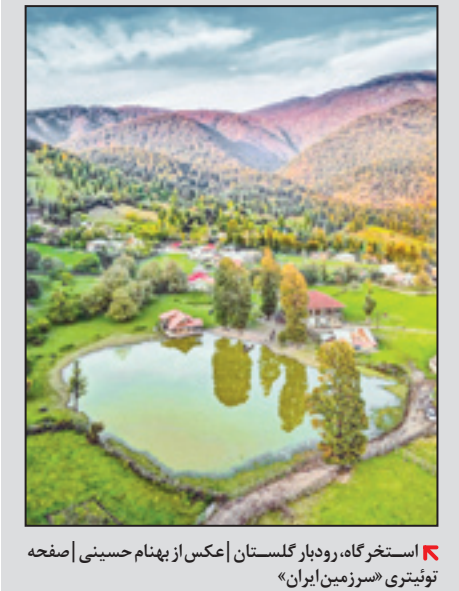


سید پاسر جزیراتی توثیت کرد: دو گزاره خبری مهم این ایام درباره برجام اینهاست:
۱- مذاکرات در خط پایان است
۲- موضوعات باقیمانده، خطوط قرمز ایران هستند.اگر عبور از خط پایان، به معنی عبور از خطوط قرمز ایران باشد، آنچه حاصل خواهد شد همان خسارت محض است.



جواد نیکی‌ملکی نوشت:
روسیه در برابر دیدگان همه لوهانسک و دونتسک را هم تصاحب کرد، واکنش اصلی غرب در حد محکوم کردن لفظی و تحریم است؛ تحریم‌هایی که حتی نیاز به دور زدن ندارد چون عملاً بی‌اثرند. دهکده جهانی دیگر ک خدا ندارد! جایگاه ما در نظم آتی جهانی کجاست؟ تاریخ‌مان را دوباره بخوانیم تا سه‌مان را بباییم.

- تصویر منتخب**

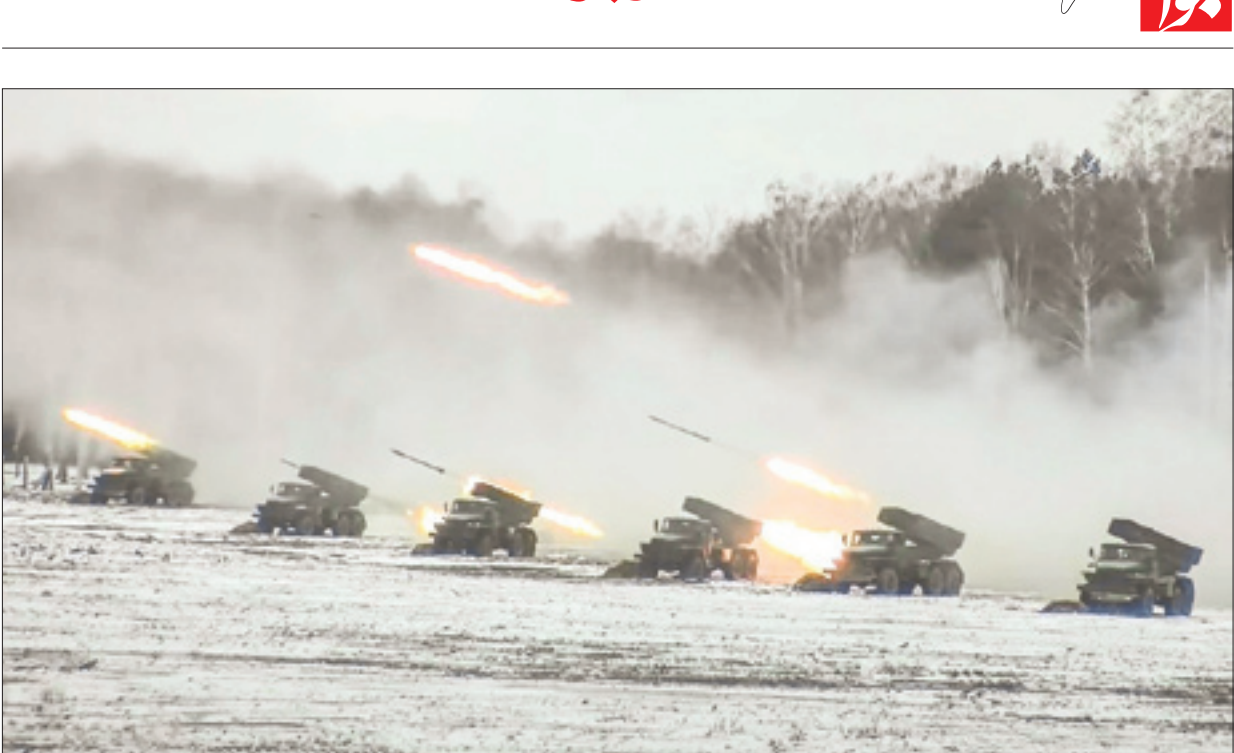


استخر گاه، رودبار گلستان
عکس از بهنام حسینی | صفحه توییتری «سرزمین‌ایران»



گایبران

| روزنامه جوان | شماره ۶۴۳۷ | ۱۴۰۰ | ۲۴ رجب ۱۴۴۳ |



واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به حمله نظامی روسیه به اوکراین

استقلال و اقتدار بعد از اوکراین دوباره معنا شد

با دستور رئیس‌جمهور روسیه، حمله نظامی این کشور به اوکراین آغاز شد. کاربران شبکه‌های اجتماعی در توثیت‌هایی ضمن تحلیل آینده این حمله از درس‌های این واقعه برای کشورهای دنیا نوشتند. کاربران ضعف ریاست‌جمهوری اوکراین را در کنار اعتمادی

سید مهدی پیش نمازی:
باحمله روسیه به اوکراین و بی‌خاصیت بودن ادعاهای امریکایی‌ها و اروپایی‌ها در دفاع از اوکراین چه ترس و وحشتی بیوفته در دل کشورهای عربی‌ای که به امریکا در مقابل ایران دل بستندا
حسن عابدینی:
درس جنگ اکراین: زلنسکی بازیگر خوبی در سسر یال طنز رئیس‌جمهور بود، اما در دنیای واقعی ممکنه کشور را به باد دهد. انتخابات ششوی بردار نیست. امریکا زیاد بلوف می‌زند، اما سر بزنگاه پشت متحدش را خالی می‌کند. روسیه و امریکا نسبت به ۲۰سال پیش بالا و پایین شده‌اند. برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی.
سیده‌محمد مهدی:
وضعیت اکراین را دیدی؟ آینده‌ای بود که

یک عده می‌خواستند با اعتماد به غرب و امریکا برای ما رقم بزنند.
مصطفی سیستانی:
هیچ کسی به‌اندازه امریکائو ناتو ادعای حمایت از اوکراین به آتش این جنگ ندیدند! حالا هم رئیس‌جمهور امریکانشسته گوشه تخمه می‌شکنه و میگه مردم دنیا برای اوکراین دعا کنند!عاقبت تکیه و اعتماد به دیگران خصوصاً امریکایی‌ها چیزی جز این نیست!
سهیل جان‌نثاری:
فکر نمی‌کردم روسیه به این شکل حمله کنه، نمی‌فهمم چرا؛ یعنی تصور روسیه اینه که به این شکل اوکراین رو تحمیل به‌اجرای توافق‌های قبلی با اعلام رسمی بی‌طرفی و عدم عضویت در ناتو کنه؟ اگه خیلی سریع به چنین جایی نرسه، اوکراین رو برای مدت خیلی زیادی از دست میدم.

رضا عابدی:
اوکراین کشوری بود با ۱۹۰۰ کلاhek هسته‌ای، سه سال بعد از استقلال حتی بمب‌افکن هایش را نبود کرد، غرب هم تضمین داد از آن دفاع می‌کند، اوکراین اعتماد کرد. ام‌روز این کشور تجزیه شده و در جنگ و ناامنی است.
علی‌باژ گنشا:
اوکراین تاوان وابستگی خودش را داد، با توجه به موقعیت جغرافیایی سیاسی حساسی که داشت اگر یک کشور مستقل بود و نه به شرق و نه به غرب تمایل داشت و با هر دو در حدود تعیین شده برخورد می‌کرد، امروز شاهد ثامنی مردمش نبود! امریکا و ناتو عامل اصلی هدف گرفتن اوکراین توسط روسیه شدند!# اوکراین **علی باژ گنشا:**
بدبخت اون رئیس‌جمهوری هست که برای آرام کردن مردمش دائم تکرار می‌کنه که با یادین تلفنی حرف زد. # اوکراین

سنگ مردگان و دست علی



یک سیاست تبلیغی است، چند روزی است که یک فایل صوتی مینای عملیات تبلیغاتی بر ذهن روان مردم شده، بعد از سخنرانی رهبر انقلاب اتفاق جالبی افتاد. ناگهان باز نشر کنندگان جدیدی به‌رادیو فردا و بی‌بی‌سی اضافه شدند و براساس آنچه خود لایقش بودند عبارت لجن را به توثیرشان کشاندند و شروع کردند به بیانبات کنایه یا مستقیم کلمه پرت کردند. در این تردیدی نیست که عملکرد این جمع نشان داده است، این افراد نسبت بعد از فرمایش رهبری ناگهان یکی از همین عدالتی‌ها که چند وقت پیش توثیت زده بود که این فایل چیز جدیدی نیست و فلان و بهمان ناگهان رگبار رشتو می‌بندد و اتهامات کوچک و بزرگ را نصیب افراد جدیدی می‌کند!؟! آیا پروژه جدیدی رسیده است!؟!
(۴) چرا قوه قضاییه برای دفاع از افکار عمومی



۲ تصمیم دولت برای تنظیم بازار و گمرک

علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت در توثیتی از تصمیمات دولت برای تنظیم بازار و گمرک نوشت: «صدور مجوز واردات لوازم خانگی در صورت عدم همکاری تولیدکنندگان داخلی در جهت واقعی کردن قیمت‌ها» و «محاکالاهای قاچاق و غیر قانونی». دو تصمیم مهم امروز در حوزه تنظیم بازار و گمرک.

به سؤالاتی که از دیگران می‌پرسیم

دقیق‌تر شویم



نابهد عبدی در کانال تلگرامی خود نوشت:
ما گاهی با سؤالاتی که می‌پرسیم، طرف مقابل را در «موقعیت دشسوار» قرار می‌دهیم، همین که در گفت‌وگو، شخص مقابل مجبور به انتخاب بین گفتن و نگفتن بشود، یا برای جواب دادن معذب شود، یعنی می‌شد سؤال را طور دیگری هم مطرح کرد. نمونه سؤالات قابل‌تغییر:
حالت اول: چرا آن کار اشتباه را کردی؟ حالت دوم: به نظرم می‌شد طور دیگری هم رفتار کرد. حس خودت نسبت به کاری که کردی چه بود؟ مشکل خیلی از افرادی که در گفت‌وگو و برقراری ارتباط مسئله دارند، این است که فکر می‌کنند همین که می‌توانند به زبان مادری حرف بزنند و حروف را در کنار هم بچینند، به این معنی است که در برقراری ارتباط هم توانمند هستند. مشکل وقتی است که ما خود را از یادگیری مهارت ارتباطی بی‌نیاز می‌بینیم. گاهی فقط یادگیری یک مهارت ارتباطی، می‌تواند کیفیت روابط ما را به کل دستخوش تغییر کند. مثلاً اینکه یاد بگیریم به جای سؤالات بسته (سؤالاتی که جواب بله یا نه دارند یا جوابی یک کلمه‌ای دارند) سؤالات باز بپرسیم. یک سؤال باز، ذهن طرف مقابل را برای جواب دادن باز می‌گذارد و به او اجازه گفتن از موضوعات مرتبط یا غیر مرتبط را می‌دهد. همین موضوع باعث می‌شود از گفت‌وگو با ما دچار تشویش نشود.
نمونه سؤال بسته: متأسر هستید؟
نمونه سؤال باز: درباره خانواده خود بگویید.

خوب است به سؤالاتی که از دیگران می‌پرسیم، دقیق‌تر شویم. مطرح کردن هر سؤال می‌تواند موقعیتی برای استحکام بیشتر رابطه ایجاد کند یا بر عکس، مسبب تخریب عواطف و از بین رفتن صمیمیت سالیان شود.

درسی در باب مراتب فرهنگ

مهدی متولیان در کانسال تلگرامی خود نوشت: چند نکته راهبردی از استاد شهید سیدم‌ر قنلی آوینی دربراره فرهنگ و فعالیت فرهنگی.

۱) **ضرورت سنتت‌گرای برای حیات دوباره هویت ایرانی**

- فرهنگ دیوتلون است، اگر چه در ظاهر ممکن است عناصر متناقضی را در خود بپذیرد ولیکن هر چه به ریشه، مرجع و منشأ فرهنگ متعارف – که مأثورات باشند- تقرب بیش‌تری پیدا کنیم، از وحدت و صفای بیش‌تری برخوردار می‌شود. فرهنگ غرب در دوران جدید با رجعت به مأثر فرهنگی یونان و روم باستان تولدی دیگر یافت. . . .

- معاندان در یافته‌اند تا نسبت ما با مأثر فرهنگی‌مان تغییر نکنند، امکان ایجاد تحول در فرهنگ متعارف موجود نیست. بهبوده نیست که یکی به امید مسخ حافظه، در غزلیات او آنگونه که عقل متعارف تمدن جدید – یعنی به عبارت بهتر، این وهم متظاهر به عقل – می‌پسندد دست می‌برد و دیگری حسسین بن منصور حلاج را قیاس از خود می‌گیرد و سومی «شانهامه» را که صورت اسطوره‌ای حکمت‌منعوی ایرانی است بر مبنای یک تاریخ‌نگاری سیاست‌زده عوامله تفسیر می‌کند و چهارمی تلاش می‌کند تا هفت آسمان قرآن را در تخم‌مرغ موهوم داروینسیم بگنجاندند. . . .

۲) تحول فرهنگی، چگونه؟

- تبدیل و تحول در فرهنگ متعارف، همواره سسیری از درون به سوی بیرون دارد و تا یک رویکرد باطنی به تبع یک تحول انفسی به سوی قیله‌ای جدید ایجاد نشود، عرف یک جامعه متحول نخواهد شد.

۳) تعریف فرهنگ

- فرهنگ متعارف نحوی معرفت جمعی است، نسبتی است که بین عموم افراد یک قوم با مأثر و معارف آنان وجود دارد و در صورت آداب و رسوم و آیین‌های خاص تظاهر می‌یابد.

۴) تفکیک مراتب فرهنگ

- علت‌آنکه فرهنگ رانمی‌توان تعریف کرد در همین جاست که فرهنگ‌ظهور حقیقت یک قوم «در مقام ذات» است و در تعینات بعدی، یعنی ظهور «در مقام صفات و افعال» که فرهنگ صورت آداب و رسوم و فولکلور پیدا می‌کند، حد و رسم مشخص‌تری به خود می‌گیرد و سهل‌تر در ظرف تعریف واقع می‌شود. روحش شاد، که اگر ۱۰ بار هم بخوانیم، ۱۰ درس جدید بر ایمان دارد.

منبع: کتاب رستاخیز جان، مقاله آزادی قلم.

بحرین نکن تعجیل!

افشین علا، ششاعر، سروده جدید خود را در کانال تلگرامی شخصی‌اش به اشتراک گذاشت. سروده جدید علا در ادامه از نظر می‌گذرد:

چون دختر گریخته‌ای از ایل / شد دوری‌ات به مام وطن، تحمیل
گیرم که قوم و خویش شدی با غیر / این سان چرا بریده‌ای از قامیل؟

از باستان، تو فرانس نشان بودی / گیرم شدی به شیخ‌نشین تبدیل
گیرم که خاک پاک تو را دادیم / ا بدست خود به اجنبیان تحویل

دیگر چرا به لقمه شیرینی / در جنگ صهیونسیم شدی تبدیل؟

تو در پناه لشکر اسلامی / سوی بنی قریظه مکن تعجیل

رفتی عروس قوم عرب باشی / اما شدی عروسک اسرائیل!

اقلیم شیعه، پایگه دشمن؟ / بحرین، زیر پای سپاه قیل؟

بر خاکت ای جزیره مروری د / حیف است بارد از همه سو سجیل

در هودجی ز موج، تو را دیروز / فرعون اگر چه یافته در زنبیل

اینک به سوی مادر خود بر گرد / ای گماهره‌ی تو رها در نیل. . .

کمی در مورد نوشتن

علی سزرعیم در کانال تلگرامی خود نوشت: با دوستی در مورد نوشتن صحبت می‌کردم، به او گفتم نوشتن چند مرحله دارد:

گام اول، غلبه بر ترس از نوشتن است. معمولاً افراد بسا فرهنگ شفاهی بار می‌آیند و در برابر نوشتن یک سد خیلی بزرگ احساس می‌کنند. وقتی دست به

قلم می‌شوند، رنج می‌کشند و احساس می‌کنند بار ظلمتی بر دوش برداشته‌اند. این سد بزرگ تنها با زیاد نوشتن بر طرف می‌شود. باید بر این ترس از نوشتن و این رنج نوشتن با نوشتن زیاد و بی در بی غلبه کرد. مهم نیست موضوع چیست و حرف ما تا چه حد درست یا عمیق است. مهم این است که بیوسته بنویسیم. شاید خلاصه کردن مطلبی که خوانده‌ایم به زبان خودمان بهترین راه برای اقدام جهت زیاد نوشتن باشد.

گام دوم، گویا و ساده نوشتن است. وقتی ترس از نوشتن فرو ریخت، مهم این است که بتواند با نوشتن مقصود خود را به ساده‌ترین شکل و گویاترین وجه به مخاطب منتقل کند. متأسفانه اکثر افراد در این مرحله با می‌مانند و نمی‌توانند ساده و گویا بنویسند و مقصود خود را به راحت‌ترین شکل منتقل کنند. بسیار می‌شود کسی حرفی را در چند صفحه زده، اما می‌توان کل مقصود او را در یک یا چند پاراگراف خلاصه کرد، به نحوی که هم مقصود او برساند و هم از خواننده وقت کمتری بگیرد و او را خسته نکند.

گام سوم، درست‌نویسی است. در این مرحله شخص تلاش می‌کند تا نه تنها اصول نگارش را رعایت کند، بلکه تا جای ممکن کلمات فارسی را جایگزین کلمات عربی و انگلیسی کند. اینگونه است وسوسه در مورد افعال «می‌باشد، می‌گردد، می‌نماید»، ویر گول و ویر نقطه، جایگاه «ر» در جمله، فاصله و نیم‌فاصله و فارسی‌نویسی دغدغه مدام می‌شود. من این روزها در این مرحله هستم و چنین دغدغهای را دنبال می‌کنم.

گام چهارم، زیباتوینسی است. آدمی نه تنها باید محتوای خوبی داشته باشد و آن را گویا بیان کند، بلکه باید آن را به در قالب زیبایی عرضه کند. استفاده از سجع و کلمات زیبا و موزون آخرین زحمتی است که گریبان یک نویسنده را می‌گیرد. طبعاً افراد کمی به این مرحله می‌رسند و افراد کمتری می‌توانند این مرحله را نیز سبزی کنند و به جمع نویسندگان ممتاز کشور درآیند. امیدوارم با افزایش تعداد نویسندگان ممتاز کشور، زبان فارسی از خطر انحطاط، انزوا و انحراف مصون بماند. ان‌شاء‌الله